

شهید قاسم سلیمانی رحمته اللہ علیہ

الگوی انسانی قدرت نرم متعالیه تمدن ساز

حمید حبیبی*
نجف لکزایی**

چکیده

این نکته که شهید سلیمانی الگوی انسانی قدرت نرم متعالیه تمدن ساز می تواند قرار گیرند، دغدغه این مقاله توصیفی تحلیلی بود. در نظریه قدرت نرم متعالیه عوامل ماورایی، انسانی و سازمانی تولیدکننده و سوزاننده (علت فاعلی) قدرت نرم متعالیه هستند. شهید سلیمانی به عنوان عامل انسانی در سطح نخبگی و آراسته به جنود عقل، الگویی مطلوب در تولید، بازتولید و تکثیر کوثری سرمایه نرم اجتماعی و تبدیل آن به قدرت نرم برای تمدن سازی نوین اسلامی، نقش خود را به زیبایی، با جذابیت و شکوه مثال زدنی ایفا کرد و از آنجاکه ایشان افتخار تربیت شدن در مکتب رهبران انقلاب اسلامی را داشت، قدرت نرمی که تولید می کردند از جنس متعالیه بود و با تمسک به خداوند متعال، منبع اصلی این نوع قدرت نرم، نماد قدرت نرم متدانیه را در هم شکست و کوس رسوایی آن را در منظر افکار عمومی عصر کنونی به صدا درآورد. سردار دل‌ها به زیبایی نشان داد که حتی

* استادیار گروه علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی رحمته اللہ علیہ (hhabibi.41@gmail.com)

** استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم رحمته اللہ علیہ

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

«الله‌اکبر» و «لااله الاالله» داعش به‌عنوان مظاهر قدرت نرم متدانیه هم عوایدی برای نظام سلطه در پی نخواهد داشت. برای ایجاد تمدن اسلامی هم - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی «تولید فکر» و «پرورش انسان» لازم است. شهید سلیمانی در عمل به مهیا شدن هر دو عنصر کمک شایانی کرد. ایشان در حیطه‌های اعتقادی، عاطفی و رفتاری الگوی تربیت جوان مؤمن و متعهد قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: الگو، انسان متأله، قدرت نرم متعالیه، تمدن‌سازی.

مقدمه

در نظام سیاسی متعالیه، جایگاه کارگزاران، فلسفه وجودی و انگیزه مسئولیت‌پذیری آن‌ها از آنچه در عرف سیاسی بین‌المللی صورت می‌گیرد، متمایز است. علت این تفاوت را باید در محتوای مکتب متعالیه جستجو نمود. مکتب متعالیه انسانی تربیت می‌کند که خلیفه‌الکریم است و خلیفه‌الکریم، کریم است؛ پس انسان کریم است. کرامت انسان مستند به خلافت اوست و خلافت او در این است که سخن مستخلف عنه را بگوید (جوادی آملی، ۱۳۶۸: ۶۱). فرمانده و چهره بین‌المللی مقاومت تربیت‌شده مکتب حضرت امام علیه‌السلام و مکتب خلف صالحش رهبری معظم انقلاب اسلامی - که از الگوهای مطلوب حیات متعالیه هستند - بود. از این‌رو دغدغه‌های مکتب هر دو بزرگوار تربیت انسان بود. این مهم را دغدغه شهید سلیمانی هم می‌توان تلقی نمود. با مروری بر دیدگاه‌های امام خامنه‌ای این اصل به دست می‌آید که کارگزاران دولت اسلامی در حیطه‌های بینش، گرایش و کنش، باید مهذب به تربیت اسلامی باشند. این ایده برگرفته از سیره سیاسی معصومین علیهم‌السلام است که فراوان دیده می‌شود بر دینی بودن کارگزارانشان همت گماشته‌اند. برای نمونه رهبر معظم انقلاب اسلامی با استناد به نامه حضرت امیر علیه‌السلام به مالک‌اشتر شایسته‌سالاری را اساس انتخاب کارگزاران بیان می‌کنند (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۷/۱۷ farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3313). همچنین ایشان معیار شایسته‌سالاری را با توجه به تأکیدات امام خمینی علیه‌السلام، ایمان دینی و تقید دینی برمی‌شمارند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۷/۹، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2974)، بیانات، ۱۳۸۳/۶/۴، دیدار هیئت دولت، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3247). از آنجاکه این تأثیرگذاری ارتباط معناداری با معرفی الگوهای انسانی قدرت نرم برای تمدن‌سازی هم می‌تواند داشته باشد، چنانچه مشخص شود شهید

سلیمانی از این جهت الگو بودند، در این صورت آن بزرگوار الگوی انسانی قدرت نرم متعالیه تمدن‌ساز نیز خواهند بود. این نکته، دغدغه‌ای است که در این مقاله بررسی می‌شود.

هرچند مفهوم تمدن نوین اسلامی نخستین بار در سال ۱۳۹۲ از سوی رهبری معظم انقلاب به‌عنوان هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی مطرح شد، اما کمتر پژوهشی پیرامون «الگوی انسانی قدرت نرم متعالیه تمدن‌ساز» انجام گرفته است. از این رو یکی از اهداف این اثر تقویت پیشینه‌ها با ارائه این الگو با تمرکز بر شهید سلیمانی است.

در این پژوهش بنیادی - به لحاظ هدف - و توصیفی - به لحاظ ماهیت - (حافظ نیا، ۱۳۸۲: ۵۰-۵۳)، از تبیین علی که یکی از روش‌های تبیین کیفی است برای کشف روابط «الگوی انسانی قدرت نرم» و «تمدن‌سازی» استفاده شد. این روش متمایز از تبیین علی در شیوه کمی است (حقیقت، ۱۳۹۴: ۱۱۳-۱۱۲). در این تحقیق محقق در پی اتصال مستقیم با موضوع تحقیق و همدلی با آن است.

انجام این تحقیق از این نگاه که به توصیف، توضیح و تبیین الگوی انسانی قدرت نرم در طرح‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، بیان عوامل و متغیرهای مؤثر و روابط میان آنها در تمدن‌سازی می‌پردازد، ضرورت دارد (ضرورت ایجابی). در صورت غفلت از این مهم، ضمن ناسپاسی نعمت‌های الهی هزینه‌هایی چون از دست رفتن فرصت‌ها و مواجهه با تهدیدات را به جامعه تحمیل می‌کند (نگاه سلبی). این پژوهش از آنجاکه در اتخاذ سیاست‌ها در سطوح راهبردی اداره جامعه می‌تواند کارایی و اثربخشی داشته باشد و بهره‌وری منابع انسانی جامعه را ارتقاء دهد، انجام آن از اهمیت خاصی برخوردار است.

تعریف مفاهیم

قدرت نرم:

«قدرت نرم توانایی کسب آنچه می‌خواهید، از طریق جذب کردن است نه از طریق اجبار و یا پاداش. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به هدف، چهره دوم قدرت است. قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل‌دادن به علائق دیگران و هدایت رفتار آنان بدون بهره‌گیری از زور» (Nye, 2003, 13). قدرت نرم، عبارت است از توانایی شکل‌دادن به ترجیحات دیگران؛ این توانایی می‌تواند در دو جهت، یکی تقویت عزم و اراده ملی در راستای تأمین امنیت ملی نظام و دوم در راستای گسترش و صدور اراده

نظام با تأیید افکار عمومی در یک محیط خاص، منطقه‌ای و بین‌المللی به کار گرفته شود (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

قدرت نرم متعالیه:

اصطلاح متعالیه به مبنای مرتبط و نگاه توحیدی در آیه کریمه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را -غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد. هرگاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم! (آل عمران: ۶۴) اشاره دارد (ر.ک. لکزایی، ۱۳۹۸). بر اساس مدل ارسطویی و فلسفه اسلامی، هر امر حادثی نیازمند چهار علت است: دو علت غایی و فاعلی، علت وجودی و دو علت صوری و مادی، ماهیتی هستند (کرجی، ۱۳۹۴: ۱۳۲-۱۳۳ و ۱۷۲-۱۸۰). در خصوص اشیاء عینیت یافتن این علل آسان است، اما در مورد پدیده‌های انتزاعی مانند «قدرت نرم» این امر مشکل است. از این نگاه به توانایی تصرف در پدیده‌های هستی و هماهنگ کردن آن‌ها با خود، شکل دادن یا تغییر ترجیحات یا اولویت‌های دیگران در چارچوب سنت‌ها و ضوابط حاکم بر نظام هستی برای رشد و کمال خود و دیگران در جهت «قرب الهی» قدرت نرم اطلاق می‌شود. بر این اساس، فرد و جامعه در راستای نیل به هدف، به هر میزانی صفات الهی را کسب می‌کنند به همان میزان به اذن الهی توانایی هماهنگ کردن مجموعه هستی با خود را پیدا می‌کنند (حبیبی، ۱۳۹۶: ۴۳۷).

تمدن:

در فرهنگ فارسی تمدن چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۱۳۸۹: ۵۳).

علامه جعفری در یک تعریفی جامع تمدن را این چنین تعریف کرده است:

تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آن‌ها باشد (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۳۳).

تمدن نوین اسلامی هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی است، تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۱۴، دیدار خبرگان رهبری، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23810).

یافته‌های پژوهش

سنخ‌شناسی علت فاعلی قدرت نرم

علت فاعلی سه‌بخشی است. نخست افراد هستند که در نقش کارگزاران سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و قضایی انجام‌وظیفه می‌کنند و دوم نهادها و سازمان‌هایی هستند که برای تولید قدرت نرم و یا حفاظت از آن فعالیت می‌کنند و سوم مردم هستند که بدون حضور و مشارکتشان قدرت نرم قوام ندارد؛ تکثیر و فراجناحی نمی‌گردد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۵۴؛ حبیبی، ۱۳۹۶: ۳۴۹).

شهید بهشتی علیه‌السلام از زیدگان حیات متعالیه، دیدگاهی در بحث «گروه‌بندی گروندگان به نهضت‌های مسلکی» دارند، از گونه‌گونی اسلام، به طبع انواع مسلمانان، سخن گفته‌اند (بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۷). از این بحث برای تبیین شهید سلیمانی به‌عنوان علت فاعلی قدرت نرم متعالیه تمدن‌ساز می‌توان استفاده نمود. به نظر ایشان یک نهضت مسلکی که دارای جهان‌بینی و ایدئولوژی است به‌محض شروع، پنج گروه به آن رو می‌کنند: پیشتازان و السابقون السابقون [آرپیون]، آنها که به‌راستی به دنبال آرمانی می‌گشته‌اند، خواهان آرمانی بوده‌اند، ایده‌ای انسانی و عالی و الهی داشته‌اند؛ اینها وقتی سراغ یک نهضت و رهبر آن نهضت می‌آمدند و اگر در نهضت، رهبر و الگوهای آن نهضت، گمشده خودشان را پیدا می‌کردند به آن می‌پیوستند و در راه به ثمر رسیدن آن فداکاری و جانبازی می‌کردند. این‌ها مؤمنان و پیروان راستین نهضت هستند. گروه

اول و دوم کسانی هستند که حتی ممکن است در اوایل نهضت، همان وقتی که نهضت با دشواری‌هایی روبه‌روست، به نهضت بپیوندند. گروه دوم ناراضیان از وضع موجود که می‌گفتند وضع جدید هر چه باشد برای ما بهتر است. بسیاری از چهره‌هایی که در نهضت‌های بزرگ تاریخ در مراحل حساس و تلخ و خطرناک به نهضت پیوسته‌اند از این گروه‌های اول و دوم‌اند. گروه سوم در شرایط جدید در پی رسیدن به مقامی‌اند که در وضع موجود هرگز امید آن را ندارند. حتی در صفوف نخستین نهضت، گاهی چهره‌هایی از این قبیل به چشم می‌خورد. در نهضت‌های معروف دنیا اشخاصی هستند که زندگینامه‌شان نشان می‌دهد با اینکه از نخستین گروندگان به نهضت‌ها بوده‌اند ولی از همان آغاز به دنبال یک هدف شخصی نیز بوده‌اند و با مهارت و گاهی با قبول خطر، آن هدف شخصی را دنبال می‌کرده‌اند. بازشناختن این‌ها از گروه اول بسیار دشوار است، زیرا هر دو گروه، آدم‌های برجسته، کارآمد، تلاشگر و تن به خطر می‌دهند و بازشناختن این دو گروه فقط شاخص نورانی و ربی بودن گروه نخستین است (آل‌عمران: ۱۴۶) که در زندگی‌شان نور خداخواهی و دگرخواهی می‌درخشد، تولیدکننده مداوم و محافظ قدرت نرم در نظام اسلامی‌اند. گروه سوم با تمام کوششی که برای جازدن خودشان در گروه اول می‌کنند بادقت می‌شود آثار تاریکی، پوکی و کاذب بودن قدرت نرم را در مجموعه شخصیت آنها ملاحظه کرد. این سه گروه پیش از به قدرت رسیدن نهضت مطرح هستند. مصیبت از وقتی شروع می‌شود که نهضت‌ها به قدرت می‌رسند و دروازه‌های جامعه به روی گروه‌های چهارم و پنجم باز می‌شود.

گروه چهارم که بسیار از خودراضی، پرتوقع و خطرناک‌اند، فرصت‌طلبان هستند. تا وقتی نهضت، تلخی، رنج، شهادت، زجر، شکنجه، زندان، ناراحتی، گرسنگی و تشنگی داشت، آفتابی نمی‌شدند، اما وقتی نهضت به قدرت می‌رسد به صحنه می‌آیند و از همه کسانی که تاکنون در این راه گام برمی‌داشتند، طلبکارند (حدید: ۱۴). چنین کسانی برای یک نهضت بسیار خطرناک‌اند. تا امروز هیچ نهضت کوچک یا بزرگی از آسیب و آفت این گروه مصون نمانده است. خطر بزرگ‌تر از جانب گروه پنجم است که تکیه‌گاه گروه چهارم و سوم‌اند. گروه پنجم مردم عادی و قشر خاکستری‌اند که نسبت به نوع مسلک و نوع اقدامات قدرتی که بر آنها حکم می‌راند، چندان تفاوتی از خود نشان نمی‌دهند. اینها تکیه‌گاه گروه چهارم و سوم قرار می‌گیرند و در طول تاریخ گروه‌های سوم و چهارم به کمک این‌ها، گروه نخستین را خانه‌نشین و از ایفای نقش حقیقی خود

بازداشته و از میدان به در کرده‌اند. به فرموده حضرت امیر علیه السلام «یستدل علی ادبار الدول بربع بتضییع الاصول والتمسک بالفروع و تقدیم الاراذل و تأخیر الافاضل» (آمدی، بی تا: ۸۶۳-۸۶۴) اتفاق می‌افتد. اسلام گروه پنجم، تسلیم‌شدن (حجرات: ۱۴). به‌منظور توانمند شدن در استفاده از مواهب قدرت حاکم است. اینها حتی بر پیغمبر هم منت می‌گذاشتند که یا رسول‌الله! چرا به ما نمی‌رسی؟ چرا سهم ما را نمی‌دهی؟ ما به‌خاطر تو مسلمان شدیم (حجرات: ۱۷). نهضت باید بدانند قوامش به مُسَلِّمِ نوع اول است (توبه: ۱۲، شهید بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۰). ایشان تکلیف می‌کنند که بر مسلمانان لازم است گروه اول را بازشناسند و فریب گروه‌های دیگر را که سوزاننده قدرت نرم‌اند، نخورند (لک‌زایی، ۱۳۹۵/۶/۲۵: مصاحبه). آنچه تعیین‌کننده است، توانمندی‌های معنوی و میزان ظرفیتی است که در نتیجه ارتباط ربیون (گروه اول) با خداوند متعال به‌عنوان منبع اصلی قدرت نرم، در وجود افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها ایجاد می‌شود. چرا که پیروان مکتب متعالیه در حوزه توحید افعالی قائلند، یگانه علت مؤثر در وجود خداوند متعال است. به نظر ایشان، انسان مؤمن، نظام وجود را صورت فاعلیت حق تعالی می‌بیند و لا مؤثر فی الوجود را یا از روی برهان یا از روی عین یافته و باچشم بصیرت و قلب نورانی، حصر استعانت را نیز حصر حقیقی می‌داند و کمک دیگر موجودات را صورت کمک حضرت حق در نظر می‌گیرد (همان). بر این اساس، تا خدا نخواهد هیچ قدرت نرمی تولید نخواهد شد. بنابراین، سررشته تمامی امور به دست خداست.

انسان و طبیعت ظرف تجلی قدرت الهی هستند و کاری بدون اذن خدا نمی‌کنند. البته، انسان در محدوده اراده و اختیاری که خداداده است، می‌تواند مسیر خیر و شر را انتخاب کند، اما همین نیز در چارچوب اراده الهی است. خداوند متعال با تعیین عناصر و عوامل هدایت و ضلالت، وضعیت و شرایط تولید قدرت نرم را برای انسان تبیین کرده است. علاوه بر این رهبران الهی نیز آمده‌اند به انسان کمک کنند تا به این نیاز واقعی دست یابد. از این‌رو انسان ناقصی است که با کمک عوامل بیرونی هویتش کامل می‌شود، جهت‌گیری الهی پیدا می‌کند و حی متأله می‌گردد (لک‌زایی، ۱۳۹۰: ۴۳).

از این‌رو تنها کسانی می‌توانند به تولید قدرت نرم بپردازند که از گروه اول یعنی انسان متأله باشند نه عرفی و متدانیه. چنانچه شهید میثمی این‌گونه تأکید دارند که توان ما به اندازه امکانات در دست ما نیست بلکه توان ما به میزان اتصال ما به خدا است. از این‌رو حضرت امام علیه السلام، آیت‌الله

جوادی آملی، شهید بهشتی و امام خامنه‌ای از زبندگان مکتب حیات متعالیه در مورد افرادی که در مناصب مختلف به کار گمارده می‌شوند شرایط ویژه‌ای را لازم می‌دانند (لک‌زایی، ۱۳۹۴: مصاحبه). بررسی الگوی شهید سلیمانی، از این حیث حائز اهمیت است.

الگوی رفتاری تداعی‌کننده قدرت نرم شهید سلیمانی

از آنجاکه رهبری معظم انقلاب اسلامی در شناخت و معرفی افراد دقت نظر مثال‌زدنی دارند، مطلوب، تبیین الگوی رفتاری شهید سلیمانی با استعانت از نگاه ایشان است. در نظام اسلامی جایگاه کارگزاران، فلسفه وجودی و انگیزه مسئولیت‌پذیری آن‌ها متمایز از عرف سیاسی بین‌المللی است. با بررسی قول و فعل شهید سلیمانی می‌توان به این اصل دست‌یافت که کارگزاران دولت اسلامی در سه سطح بینش، گرایش و کنش، باید دینی و مولد قدرت نرم برخاسته از آن برای نظام اسلامی باشند. چنانچه رسول اکرم ﷺ و امیرمؤمنان ؑ بر دینی بودن کارگزارانشان همت گماشتند. رهبر معظم انقلاب نیز در جایی با استناد به عهدنامه مالک‌اشتر شایسته‌سالاری را اساس انتخاب کارگزاران بیان می‌کند: «کارها و امور کارگزاران خودت را موردتوجه قرار بده. با آزمایش آن‌ها را انتخاب کن؛ یعنی نگاه کن ببین چه کسی شایسته‌تر است» (بیانات، ۱۳۸۴/۷/۱۷، دیدار هیئت دولت، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3313). چون مسئولیت‌ها غالباً با پایان دوره مسئولیت تمام نمی‌شود و کارهایی که کارگزاران در دوره مسئولیتی خود انجام می‌دهند در کارهای افراد بعد از آن‌ها نیز تأثیرگذار است (بیانات، ۱۳۸۳/۶/۴، دیدار هیئت دولت، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3247). مجموعه بیانات رهبری معظم انقلاب اسلامی در معرفی شهید سلیمانی حکایت از شایستگی‌های ایشان در تراز کارگزار مطلوب نظام اسلامی است. مضامین پیام تسلیت فرمانده معظم کل قوا و دیگر توصیفاتی که در موقعیت‌ها و مناسبت‌ها از شهید سلیمانی نمودند، دلیل بر این ادعا است: «... سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید ...» (پژوهشگاه امام صادق ؑ، ۱۳۹۹: ۳۳۳-۳۳۲). ایشان در دیدار خانواده شهید عظیم‌پور درباره تقوای شهید سلیمانی و مقام شفاعتی که دارا است، تصریح دارند: «اگر همین را بتوانند نگه بدارند، مثل همین چهل، پنجاه سالی که نگه داشته‌اند؛ خیلی خوب است» (صهبا، ۱۳۹۶: ۱۲۰-۱۲۱). ایشان باور قلبی به

آرمان‌های نظام ج.ا.ا را برای کارگزاران بسیار مهم قلمداد می‌کنند تا جایی که اشغال پست مسئولیت برای افرادی که فاقد چنین باوری باشند را حرام شرعی می‌دانند زیرا اعتقاد و باور در عمل و گفتار تأثیرگذار است (بیانات، ۱۳۸۰/۸/۸، دیدار مردم اصفهان، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3091). شهید سلیمانی در عمل باور قلبی به آرمان‌های نظام ج.ا.ا را با جانبازی به اثبات رساندند. ایشان در کنگره شهدای کرمان این باور را این‌گونه ابراز می‌دارد: «اصل اساسی نگاه‌دارنده این نظام، ولایت‌فقیه است. این برای ما مثل قرآن ناطق است. با جانمان، با خونمان، در همهٔ آحادمان از آن دفاع می‌کنیم. جانمان را می‌دهیم و هزار بار می‌دهیم» (بنی لوحی، ۱۳۹۹: ۷۳).

در سطح اخلاقی باتوجه‌به اخلاق حکومتی پیامبر گرامی اسلام، اخلاقیات مدنظر رهبری که کارگزار دولت اسلامی باید به آن متخلق باشد را می‌توان: عدالت و باتدبیر بودن، تعهد، نگهداری و رازدار بودن، هوشیار در مقابل وسوسه‌های دشمن، خاکسار در مقابل مؤمنین، مطیع محض دستورات خدا و عید به معنای واقعی و بی‌تاب برای انجام مصالح مسلمانان را برشمرد که خلاصه‌ای از شخصیت پیامبر گرامی اسلام است و باید لحاظ شود (بیانات، ۱۳۷۹/۲/۲۳، نمازجمعه، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3005).

رهبری معظم انقلاب در تبیین خصایص شهید سلیمانی هم، «شجاعت» و «تدبیر» را دو ویژگی برجستهٔ او برشمردند:

برخی شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم را برای به‌کاربردن شجاعت ندارند و برخی اهل تدبیرند اما اهل عمل نیستند و دل و جگر کار ندارند ... حاج قاسم از دفاع مقدس تا پایان عمر، با شجاعت به دل خطر می‌رفت اما درعین‌حال باتدبیر و فکر و منطق عمل می‌کرد و نه تنها در میدان نظامی بلکه در میدان سیاست هم شجاعت و تدبیر توأمان داشت و سخنانش قانع‌کننده، منطقی و تأثیرگذار بود که بنده این واقعیت را بارها به دوستان فعال در عرصهٔ سیاسی گفته‌ام (بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دیدار مردم قم، farsi.khamenei.ir/news-content?id=44622).

شاخص بعدی، قانون‌گرایی است. از نظر رهبری معظم انقلاب قانون ریل است و خارج‌شدن از آن به جامعه آسیب می‌زند. قانون‌گرایی را باید در جامعه نهادینه کرد و این امر به‌قدری اهمیت دارد که حتی اگر قانونی معیوب باشد نیز تا زمان اصلاح باید اجرا شود زیرا ضرر عدم رعایت آن بیشتر خواهد بود (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶، دیدار هیئت دولت، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715).

۱۳۸۲/۵/۱۵، دیدار کارگزاران نظام، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3186. رهبری معظم انقلاب «مراقبت از حدود شرعی» را در همه شرایط حتی در میدان جنگ، از دیگر خصوصیات حاج قاسم برمی‌شمرد: «او فرماندهی جنگاور و مسلط بر عرصه نظامی بود اما در میدان جنگ نیز حدود شرعی را کاملاً رعایت می‌کرد تا به هیچ‌کس ظلم و تعدی نشود، آن هم درحالی که خیلی‌ها در عرصه نظامی اهل احتیاط و رعایت حدود شرعی نیستند» (بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دیدار مردم قم، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628>).

شاخص اعتقادی و اخلاقی به‌ویژه در مسئولان رده‌های بالا از مهم‌ترین مشخصه‌های دولت اسلامی که مشتمل بر سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی ناشی از اعتقاد و نگاه درست به حقایق جامعه است (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶، دیدار هیئت دولت، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>). ایشان منبع و شاخص سلامت اعتقادی را علاوه بر منابع اسلامی، رجوع به مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه السلام به‌عنوان اصول انقلاب می‌دانند. در این زمینه می‌فرمایند: امام، مورد اعتقاد و قبول و اذعان همه ما است. خب، مجموعه بیانات امام، موضع‌گیری‌های امام، رهنمودهای امام در اختیار ما است. این شد آن شاخص؛ به این باید اعتقاد داشته باشیم؛ بر طبق این باید عمل بکنیم؛ در موارد اشتباه، به این شاخص اصلی مراجعه بکنیم؛ این می‌شود سلامت اعتقادی (همان).

ایشان در ذیل اعتقاد درست، بر مسئله اعتماد به خدا اصرار دارند و اعتماد به وعده الهی را بارها متذکر شده‌اند (همان). ایشان معتقدند آنچه بعد اعتقادی شهید سلیمانی را برجسته می‌سازد اخلاص زبازد او است. اخلاص این سردار پرافتخار بالاتر از همه خصایص او است:

او شجاعت و تدبیرش را برای خدا خرج می‌کرد و اهل تظاهر و ریا نبود که ما نیز باید برای دستیابی به این ویژگی بسیار مهم یعنی اخلاص، تلاش و تمرین کنیم ... در جلسه‌های رسمی با مسئولان مختلف، او به‌گونه‌ای در حاشیه و دور از چشم می‌نشست که باید می‌گشتید تا او را پیدا می‌کردید و می‌دیدید (بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دیدار مردم قم، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628>).

شهید سلیمانی خود در این باره می‌گوید: «از ابتدا که وارد جنگ شدم دو ابزار مهم در کوله‌پشتی‌ام بود؛ خلوص و توکل، همیشه با این دو خودم را آماده خدمت کرده‌ام» (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۳).

از نگاه مکتب امام خامنه‌ای خدمت به مردم از مهم‌ترین شاخص‌ها است. «روحیه خدمت که گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است؛ اصلاً فلسفه وجود ما جز این نیست؛ ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند» (بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دیدار مردم قم، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44628>). شهید سلیمانی در راه خدمت به مردم، به حضرت امام علیه السلام استناد می‌کند که وقتی امام علیه السلام نیز در وصیت‌نامه‌شان فرمودند: «ملت ایران که جانم فدای ملت ایران» جان من و امثال من چه قابلی دارد (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۳). او اوج خدمتگزاری به مردم را در رسیدگی به خانواده معظم شهدا، جانبازان، سیل‌زدگان، مردمی زیستن، کار و تلاش برای ارتقاء کارآمدی و ماندگاری انقلاب اسلامی و نظام بر خاسته از آن به زیبایی نشان داد (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۸-۳۹، ۴۲-۴۳، ۷۰-۷۱، ۱۱۳، ۱۵۰-۱۵۱، ۱۳۹ و شیرازی، ۱۳۹۹: ۱۰۹-۱۱۲). در منظومه فکری رهبری معظم انقلاب محرومان و مستضعفان جایگاه ویژه‌ای دارند و نظام جمهوری اسلامی را نظامی معرفی می‌کنند که: «باید هرگونه ناکامی و تلخکامی‌های قشر محروم جامعه در زیر سایه پرمهر آن برطرف شود و در نتیجه فاصله بین قشرهای مختلف جامعه کم گردد» (بیانات، ۱۳۸۴/۲/۱۷، دیدار مردم جیرفت، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3287). شهید سلیمانی با کار جهادی و انقلابی، ایجاد اشتغال و کارآفرینی در مناطق محروم به‌ویژه سیستان و بلوچستان این سیاست‌ها را به‌منظور تولید سرمایه اجتماعی و بازتولید آن پوشش می‌داد (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۵، ۲۷-۲۹).

شاخص دیگر اجر نهادن به عدالت است. «ملاحظه عدالت، اجر نهادن به عدالت و عمل کردن به آنچه مقتضای عدالت است، وظیفه ماست و باید شاخصه نظام اسلامی به حساب آید» (بیانات در نماز جمعه، ۱۳۸۲/۸/۲۳، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3204). «عدالت اساس پیشرفت است و پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داشت که تمدن پر جلوه غرب، امروز به آن دچار شده است» (بیانات در دیدار هیئت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>). در این باره شهید سلیمانی را تحسین و الگو معرفی می‌کنند: «بعضی‌ها خیال می‌کنند که در دوره پیشرفت و سازندگی و توسعه و نمی‌دانم فلان و فلان، دیگر آن قیدوبندها را رها کند» (صهبا، ۱۳۹۶: ۱۲۱). شهید سلیمانی نشانه‌های عدالت را در عمل بارها نشان

داد. حتی در بیمارستان و ارتفاعات حلبچه که پای جان در میان است (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۰-۲۱).

از نگاه ایشان منصب‌های حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است؛ و سوسه‌ها نیز انسان را راحت نمی‌گذارند. در نتیجه باید مراقبت کرد و حتی قبل از آنکه دستگاه‌های نظارتی وارد بشوند باید مسئولین رده‌بالا چشم بصیر بینای خود را بر سرتاسر دستگاهی که تحت اشراف و مدیریت آن است، بگسترانند و نگذارند در یک گوشه‌ای ناسلامتی اقتصادی به وجود بیاید و این سوسه‌ها کارگر بشود (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶، دیدار هیئت دولت؛ بیانات، ۱۳۷۲/۵/۱۲، مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2678).

شهید سلیمانی در اجرای سیاست «وابعت العیون»، «تحفظ من الاعوان»، «اعتدلت معالم العدل» و حفظ سرمایه‌های اجتماعی به‌ویژه منابع انسانی خود پیش‌قدم بود (مزدآبادی، ۱۳۹۸ ب: ۱۰۷-۱۰۸؛ طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۰-۲۱).

حکمت و خردگرایی شاخص بعدی است که از منظر ایشان این‌طور معنا می‌شود:

کار کارشناسی، مطالعه درست، ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام و حتی گاهی ملاحظه تبعات یک اظهارنظر. گاهی یک اظهارنظر از سوی یک مسئول دارای جایگاه و به اصطلاح دارای تریبون، دارای منبر، یک تأثیرات سوئی می‌گذارد که این تأثیرات را اگر انسان بخواهد برطرف کند، بایستی کار کند؛ همان قضیه سنگ توی چاه است؛ واقعاً مشکلات ایجاد می‌کند. بایستی سنجیده اظهارنظر کرد (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶، دیدار هیئت دولت، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>).

همچنین یکی از مصادیق این حکمت را استفاده از ظرفیت بالای کارشناسان در بخش‌های مختلف و مسائل کشور می‌دانند (همان). شهید سلیمانی به وجود افراد شجاع و باتدبیر در کشور در عرصه‌های نظامی، علمی، سیاسی و اقتصادی توجه داشت و معتقد بود باید سخن این افراد شنیده و به پیشنهادهای آنها در سطح کشور توجه و عمل شود. او حتی برای تدوین کتاب خطرات رزمندگان دفاع مقدس از بهترین کارشناسان خبره دعوت به همکاری کرد (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۹).

اصالت دادن به ظرفیت درون‌زای کشور از شاخص‌های مهم مکتب مقام رهبری (مدظله‌العالی) است و به این معنا هم نیست که مطلقاً از امکانات بیرون از کشور استفاده نشود، بلکه منظور این است که مسئولان امیدشان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزند (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶، دیدار

هیئت دولت، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23715>. شهید سلیمانی نسبت اجرای طرح‌های خودکفایی و حتی دورزدن تحریم‌ها مصمم و جدی بود. در سال ۱۳۹۸ با همت ایشان حدود نه میلیارد دلار از محل مبادلات اقتصادی با عراق (مزادآبادی، ۱۳۹۸ ب: ۱۳۷) عاید ج.ا.ا گردید و این یکی از شاخص‌های کمک میدان به سیاست بود.

پشتیبانی از ولایت و خیرخواهی و تلاش برای موفقیت جامع و کامل رهبری از ویژگی‌های مکتب سلیمانی و مولد قدرت نرم نظام ولایی و خیرخواهی همه‌جانبه برای ولایت است و این تنها به معنای ارائه پیشنهاد و مشورت نیست بلکه هر اقدام و حرکتی که در جهت تحکیم و تقویت مدیریت رهبری و نفوذ کلام بیشتر او باشد از مصادیق خیرخواهی برای ولایت است. حضرت امیر علیه السلام پس از ستودن یاران خویش از آنها این‌گونه درخواست می‌کند: «فاعینونی بمناصحه خَلِيَهُ مِنَ الْعَشِّ سَلِيمَهُ مِنَ الرَّيْبِ فَوَاللَّهِ اَنِّي لَأُولَى النَّاسِ بِالنَّاسِ؛ پس مرا با خیرخواهی خالصانه و سالم از هرگونه شک و تردید یاری کنید به خدا سوگند من به مردم از خودشان سزاوارترم» (نهج‌البلاغه، خ ۱۱۸: ۲۲۶). این بزرگ‌ترین حقی است که حاکم اسلامی بر مؤمنین دارد. حضرت در این خصوص می‌فرماید:

و اَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالْاِجَابَةُ حِينَ ادْعَوْكُمْ وَالطَّاعَةُ حِينَ اَمَرَكُمْ... ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه‌ورسم زندگی را بدانید و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴: ۸۸-۸۹).

شهید سلیمانی هم چنین سفارش می‌کند: «والله، والله، والله از شئون عاقبت‌به‌خیری رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد» (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۳). از ویژگی‌های منحصربه‌فرد هدایت دینی آن است که علاوه بر ارائه طریق، انسان‌های کامل و استانداردی را به‌عنوان الگو و اسوه معرفی می‌کند تا جویندگان حقیقت و سعادت در زندگی فردی و اجتماعی خود به آنها اقتدا کرده و ابعاد سیره عملی آنها را مانند شهید سلیمانی

سرمشق قرار دهند. شهید سلیمانی معتقد بود، در یک جامعه ولایت‌مدار نباید الگوسازی‌های دروغین و مجازی دل‌مؤمنین را برآید و آنها را از صراط مستقیم و اسوه‌های واقعی منحرف سازد (ر.ک. وصیت‌نامه شهید سلیمانی). چنانچه از شهید بهشتی نقل شد، همواره بسیاری بوده‌اند که شعار ولایت محوری داده و رأی و بیعت خود را هم اظهار داشته‌اند لکن در مرحله عمل هزینه‌های ولایت محوری و همراهی لازم را با امام خویش نداشته‌اند و از این‌رو برجسته‌ترین نظام ولایی که به‌وسیله حضرت امیر علیه السلام شکل گرفت حتی یک دهه عمر نکرد چرا که «لَا رَأَى لِمَنْ لَا يَطَاعُ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷). عبور از بحران‌ها و تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها و ضعف‌ها به قوت‌ها جز با اطاعت و فرمان‌برداری کامل از ولایت حاصل نمی‌شود و لذا قرآن اطاعت از رهبران الهی را همراه اطاعت خود و رسولش به طور مطلق وظیفه همه مؤمنین قرار داد. شهید سلیمانی این را با خونش گواهی داد.

درک صحیح مواضع و منویات رهبری از به یاد ماندنی‌ترین ویژگی‌های شخصیت شهید سلیمانی است. این رهنمودها نسخه شفابخش است و پس از معاینه و شناخت عمیق از بیماری‌ها و ویروس‌های تهدیدکننده در اختیار مردم قرار می‌گیرد و باید به‌گونه‌ای شایسته، فهم و درک شود تا در عمل، التزام به آن ممکن گردد. ولایت‌مدار حقیقی به‌مجرد اینکه خواسته و اراده ولی‌امر را دانست اقدام می‌کند و نیاز به ابلاغ ندارد و به تعبیر زیبای استاد جوادی آملی به‌جای اینکه گفته شود «العاقل یکفیه الاشارة» باید گفت «العاقل یکفیه العبارة والعارف یکفیه الاشارة والولی یکفیه الارادة» (بیانات نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، ۱۳۹۸). یکی از مظلومیت‌های رهبران بزرگ آن است که به‌وسیله مردم عصر خود درک نشده و حتی بسیاری از مدعیان ولایت‌مداری، اشارات و حتی تدابیر صریح و نسخه‌های روشن آنها را در زمان خود و به نحو شایسته درک نمی‌کنند. از این‌رو شهید سلیمانی تعبیر والله، والله، والله را در خصوص مظلومیت ولی‌فقیه زمانش با نهایت غم به کار می‌برند (ر.ک. وصیت‌نامه شهید سلیمانی). از مهم‌ترین شرایط و مقومات ولایت محوری ملازمت و همراهی با ولایت است. شهید سلیمانی به‌عنوان مصداق بارز «ربی» که شهید بهشتی مطرح کردند، در اندیشه و عمل از اینکه بخواهند چیزی را به رهبری تحمیل کند، به‌شدت اجتناب می‌ورزیدند. آن عزیز پیرو این فرمایش حضرت امیر علیه السلام بود: «نحن النمرقة الوسطی بها یلحق التالی و الیها یرجع الغالی؛ ما تکیه‌گاه میانه‌ایم، عقب‌ماندگان به ما می‌رسند و پیش‌تاختگان به ما بازمی‌گردند» (دستی، ۱۳۷۹: ۶۴۸).

در جریان‌ات سیاسی و موضع‌گیری‌ها خیلی پیش می‌آید که برخی مدعیان ولایت، نتوانسته‌اند عمق موضع‌گیری رهبری را درک کرده و داغ‌تر و انقلابی‌تر از ولی‌امر نظام اسلامی دست به اقدامات و ابراز اندیشه‌هایی کردند که پس از مدتی جز شرمندگی برای آنها نتیجه‌ای به دنبال نداشت نظیر آنچه در جریان حمله آمریکا به عراق اتفاق افتاد و به‌رغم موضع رهبری بعضی از مدعیان خط امام صدام را خالد بن ولید و سردار اسلام خواندند و اگر رهبری را نمی‌داشتیم چه‌بسا نظام اسلامی دچار فروپاشی می‌شد. ولاء محبت و محبت به ولی‌امر در رفتار شهید سلیمانی موج می‌زد. رابطه آن عزیز با ولی رابطه قراردادی و حاصل یک انتخاب ظاهری نبود بلکه ریشه در اعتقاد و باور دینی داشت و عشق و حبّ الهی، دوستی و محبت سرشار به ولی و جانشین معصوم علیه السلام را به اوج خود رساند. تعبیر «جانم به فدای ایشان» (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳۴).

جان کلام، شهید سلیمانی در ولایت ذوب شد، چیزی که فطرت مردم و نیاز معنوی و روحی انسان است. با مجموعه‌ای از این صفات شهید سلیمانی توانست به ترجیحات دیگران در دو جهت تقویت عزم و اراده ملی در راستای تأمین امنیت ملی نظام ج.ا.ا و در راستای گسترش و صدور اراده مبتنی بر قدرت نرم نظام ج.ا.ا شکل دهد و با تأیید افکار عمومی در محیط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به فعلیت درآورد. این قدرت محصول و برآیند تصویرسازی مثبت از حیّ متألّه چون شهید سلیمانی تربیت‌شده مکتب حکمت متعالیه و کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضا بر آنها است. شهید سلیمانی چون فهمید از کجا آمده، به کجا می‌رود و در محدوده دنیا چه باید بکند، اراده‌های میلیون‌ها جوان را ذیل جبهه مقاومت و تابع اراده جهادی و انقلابی قرار داد.

عناصر تمدن‌سازی:

معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی شالوده اصلی و میانی تمدن‌سازی است. در پرتو نورانیت نهضت حضرت امام علیه السلام و همراهی مردم این مهم، بسترساز ایجاد تمدن نوین اسلامی گردید. مهم‌ترین مصالح دارای نقش اساسی در ایجاد تمدن این موارد را می‌توان برشمرد: آنچه موجب آماده‌شدن زمینه رشد و شکوفایی می‌گردد، امنیت و آرامش است. تعاون، همکاری جمعی، نوعی همبستگی که ابن خلدون از آن به‌عنوان «عصبیت» نام می‌برد، عامل بعدی است. اخلاق هم عامل

قوام دهنده و پیشگیری از سقوط تمدن است. قانون‌گرایی مانع از به سستی گراییدن، ناامنی و بی‌نظمی ارکان تمدن‌ساز جامعه می‌گردد (ولایتی، ۱۳۸۶: ۳۱). برای تمدن‌سازی نوین اسلامی رهبری معظم انقلاب عناصر شجاعت، باسوادی، تدبیر، ابتکار، پیش‌گامی، خودباوری، غیرت، انگیزه کافی، توان جسمی و فکری حرکت، هدفمندی و چشم را به اهداف دور دوختن و به تعبیر امیرالمؤمنین ع **أَعْرِ اللهُ جُمُوعَتَكَ**، جانبازی در راه هدف و حرکت با جدیت؛ در یک کلمه موجود انقلابی را ضروری می‌دانند. برای ایجاد یک تمدن اسلامی معتقدند دو عنصر اساسی لازم است: تولید فکر و پرورش انسان (بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰، دیدار مردم شاهرود، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3366).

باتوجه به آنچه درباره ویژگی‌های مبتنی بر قدرت نرم شهید سلیمانی توصیف شد - به‌ویژه جمع‌کردن میان دنیا و آخرت که از مهم‌ترین عناصر تمدن‌سازی است - ایشان با اقدامات ایجابی در تقویت عصبیت و مدنیت و آنچه که برای تمدن‌سازی ذکر آنها رفت، در تولید سرمایه اجتماعی یعنی اعتبار، اعتماد و تقویت مشارکت همه‌جانبه اقشار جامعه شرایط را فراهم کرد و الگوی توحیدی را در این خصوص فراتر از سهم خودش ارائه نمود. به‌روزرسانی زیر ساخت‌های عتبات عالیات، برای تجمعات انسانی و مانورهای جمعیتی اربعین حسینی ع و به صحنه آوردن جمعیت‌های میلیونی در مراسم تشییع پیکر خود و همراهانش و بین‌المللی گردیدن مقاومت و قهرمان آن چنین ادعایی را تأیید می‌کند.

قدرت نرم و مؤلفه‌های تمدن‌سازی:

همان‌طور که در مفاهیم ذکر گردید مؤلفه‌های فرهنگی تمدن شامل عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده فرهنگ هر جامعه می‌شود که به‌وسیله آنها می‌توان پدیده فرهنگی مربوط به آن جامعه را متمایز نمود و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. مفهوم تمدن با قید متغیرهای اسلامی و غیراسلامی انضمامی می‌شود. این تمدن در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی بعد می‌گیرد. هر یک از ابعاد شامل اجزایی می‌شود. بعد فرهنگی شامل هفت‌گانه زیر جهت تمدن‌سازی است:

۱. هنجارها: به بایدها و نبایدهایی مانند سنت‌های عامه، آداب، شعائر و اخلاقیات که مشخص‌کننده جزئیات رفتارند، هنجار می‌گویند. نمونه‌هایی از اقدامات همچون ۱۹ ساعت کار روزانه شهید سلیمانی (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۶۴) در این خصوص ذکر شد.

۲. نمادها: اشاره، مضمون یا رفتاری که در روابط اجتماعی، به کار رود تا به وسیله آن، چیز دیگر را القاء یا تداعی کند. پیاپاده روی بیست میلیون اربعین که شهید سلیمانی در وقوع آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشت (همان، ۲۱۲)، یک نماد است که علاوه بر شاخص بودن برای رهرو اباعبدالله علیه السلام بودن، از نشانه‌های آماده‌شدن برای ظهور منجی‌ای است که خود را به امام حسین علیه السلام می‌شناساند.

۳. نقش‌ها: از مسیر نقش‌ها، چگونگی ارتباطات فردی و اجتماعی، شکل و سامان می‌یابد که در مؤلفه‌های اقتصادی - رفاهی شامل گسترش وسایل ارتباطی، عدالت در توزیع درآمد ... عدالت به معنای راستی و راست کرداری، سخت‌کوشی و جهاد ... دوری از تنبلی و داشتن روحیه کار و تلاش است نمود پیدا می‌کند (صادقی شاهدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۱). ایفای این نقش‌ها در سیره عملی شهید سلیمانی به‌وضوح دیده شد. ایشان دوگانه ملت/امت را در یک کلام ناسیونالیسم و پان‌عربیسم و... را از کار انداخت. خاطرات پیرزن عراقی و پزشک زن عراقی مثال‌زدنی است (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۲ و ۸۴).

۴. بینش‌ها: فرهنگ یک ملت، بیش از هر چیز، تحت‌تأثیر بینش‌ها، عقاید و ایدئولوژی‌های حاکم بر آن است که به‌عنوان مؤلفه‌های مذهبی - اخلاقی مطرح می‌شود، از قبیل پابندی به تقوای الهی، اعتقاد به مبدأ آفرینش و منتهای آفرینش، تصفیه نفس انسان مبتنی بر اعتقاد به معاد، مبارزه با تفکر دنیاگریزی و بی‌اعتنایی نسبت به دنیا، محبت و شفقت و یاری رساندن به یکدیگر، تطهیر و تهذیب نفوس مردم از اخلاق و عادات مذموم و مهلک و هدایت آنان به اخلاق ممدوح و پسندیده، لزوم انس با خدا برای رسیدن به جایگاه انسان کامل، دوری از شهوات و گناهان برای کشف حقایق هستی، التزام به فرائض و نوافل، مهربانی با خلق خداوند، تربیت اسلامی در خانه، رعایت حقوق دیگران به‌عنوان تکلیف، احسان و خدمت‌کردن به‌صورت فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی، اخلاقی و تربیتی، ارشاد و راهنمایی، گرایش به خیر و فضیلت، گرایش به پرستش، احترام متقابل به امانت‌های یکدیگر، امر به معروف و نهی از منکر، رشد اخلاق و معنویت و عواطف انسانی، بسط توحید، اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد در بدنه زندگی بشر، توجه به معاد و محاسبه اخروی، تحکیم مبانی خانواده و نفی نگاه ابزارگری به زن (صادقی شاهدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۳-۱۰۱). اعتقادات و باورهایی که متأثر از اعتقادات و باورهای شهید سلیمانی تقویت شد و شاخصه‌های هویتی که تحت پوشش امت اسلامی تجمیع گردید، عینیت پیدا کرد، در این مقوله

قابل ارزیابی است. دنیا توان قهرمان‌سازی جهان اسلام را در قامت متدینی چون حاج قاسم تجربه کرد این که گفته می‌شود قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره‌ی موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضا بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷: ۲)، در همین مورد هم مصداق پیدا می‌کند.

۵. نظام ارزشی: ارزش‌ها معیارهای تعیین‌کننده چهارچوب کلی رفتارند که می‌گویند چه چیز مطلوب است و کدام روش نامطلوب. انسان ممکن است نیازهای مادی تمدن را با تلاش‌های تجربی و عقلی تأمین کند، اما رفع نیازهای معنوی که زیربنای زندگی و اساسی‌ترین بعد تمدن انسانی است در قلمرو انتظارات بشر از دین است؛ بنابراین تمدن خاستگاه الهی - انسانی دارد. اگر تمدن شامل باورها، قوانین، سازمان‌های اجتماعی، اخلاق، فلسفه، فن، ادبیات، فرهنگ و شیوه تعامل انسان با محیط پیرامون او باشد، دین در همه این امور نقش تعیین‌کننده دارد. تحقیقات تاریخی و مردم‌شناسی نشان می‌دهد آیین‌ها و شعایر دین، هسته اصلی و تقویت‌کننده هویت جمعی اولیه بوده‌اند. می‌توان گفت ایمان، باطن هر تمدنی است و گویی روحی در کالبد سازمان اجتماعی است. در سرزمینی که ارکان مادی و معنوی تمدن هماهنگ باشد، توسعه و دوام تمدن آسان‌تر خواهد بود. جامعه‌ای که خواهان تمدن و اعتلای آن است، باید در گام اول، به استقرار نظام ارزشی دست یابد که بیانگر معیارهای خوب و بدیعی است؛ زیرا تمدن محصول فکر فردی یا ملتی خاص نیست، بلکه زیربنای آن، عقیده مشترک مردم است (صادقی شاهدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۳-۱۰۱). شهید سلیمانی نشان داد که امت اسلامی توان ساختن نظامی تحت تمدن نوین اسلامی را داراست. تأسیس نظام و هویتی به نام جبهه مقاومت در نظام بین‌الملل شاخص این مدعا است. موضع رهبری معظم انقلاب گویای آثار این نظام است:

شهید سلیمانی با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد. الان در دنیای اسلام هرجایی که بنای مقاومت در مقابل زورگویی استکبار را داشته باشند، مظهرشان و اسم رمزشان شهید سلیمانی است که هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش؛ ... آمریکا در عراق و سوریه به مقاصد خودش نرسیده؛ چرا؟ چه کسی در این قضیه فعال بود؟ قهرمان این

کار سلیمانی بود (بیانات، ۱۳۹۹/۹/۲۶، دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهید سلیمانی، farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46944).

برای نمونه امیر عبدالهیان نقل می‌کند، در سال ۱۳۸۶ می‌خواستیم برای مذاکره سه‌جانبه ایران، آمریکا و عراق به بغداد برویم رهبر انقلاب مسئولیت آن مذاکره را به سردار سلیمانی سپرده بودند. از جمله توصیه‌های شهید سلیمانی به ما برای این مذاکره این بود:

ما بنا نداریم در مذاکره با آمریکایی‌ها همه بحث‌ها را روی میز بپهن کنیم. باید مراقبت کنید مباحث، موضوع به موضوع مطرح شود و به نتیجه برسد و سپس جلو برویم. آمریکایی‌ها روششان این است که شما را وادار می‌کنند همه موضوعات را روی میز بریزید و همه موضوعات را زخمی می‌کنند و در هیچ موضوعی جز موضوعی که موردعلاقه خودشان است حاضر نیستند که توافق بکنند (گفتگوی دکتر امیر عبدالهیان با نشریه مسیر، دی ۹۹، @Khamenei_irNews).

۶. علوم و فنون: نقش علم و تکنولوژی، در تمام زمینه‌های زندگی انسان، تعیین‌کننده است که در قالب مؤلفه‌های علمی - آموزشی در رشد فکری و معرفتی جامعه و مجهز شدن به علوم و فنون جدید به‌ویژه در ایجاد بازاریابی و فراتر از آن ایجاد توان مقابله ... لزوم تربیت افرادی که مسئولیت تغییر فکری امت را برعهده بگیرند ... آموزش نیروی انسانی و ارتقای سطح سواد، آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار، ارتقای توان کارآفرینی با مسئولیت نظام آموزشی کشور، افزایش خلاقیت، مهارت حل مسئله، مهارت تصمیم‌گیری و نقادی ظهور و بروز پیدا می‌کند (صادقی شاهدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). شهید سلیمانی در ایجاد فضای امنیتی و گفتمانی تحقق این مؤلفه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. او کمک کرد تا مقاومت به لحاظ علم و تکنولوژی دستش خالی نباشد (فرمانده هوافضا، مصاحبه).

۷. ساختارها: ساختار اجتماعی، نمایشگر فعالیت و ارتباط متقابل، استحکام و پیوستگی پایدار نقش‌ها است، حقوق و تکالیف سازمان‌یافته میان افراد و گروه‌ها را مشخص می‌کند، به مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی تعبیر می‌شود و شامل فراهم‌آوردن زمینه همبستگی اجتماعی و تحقق مشارکت مردمی، تثبیت امنیت و نظم، وحدت و تعاون اجتماعی، رسیدگی مکفی به ضروریات جسم انسان، مبارزه با فساد اجتماعی، وجود نظارت بر رفتار اجتماعی و تنظیم و کنترل آن، توجه به رابطه انسان با انسان، حس مقاومت در برابر مفاسد اجتماعی و فسادگری‌ها، گرایش به نوآوری

... مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نظایر آن است (صادقی شاهدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). ایجاد رهیافت تربیتی ساختاری مقاومت و تجمیع نیروهای جهادی ذیل این هویت از شاهکارهای شهید سلیمانی است که از بایسته‌های ایجاد ساختارهای تمدن‌سازی نوین اسلامی است.

شهید سلیمانی اگرچه در قامت یک فرمانده نظامی بود و بیشتر با مباحث نظامی و اطلاعاتی و امنیتی گره‌خورده بود، ولی بخش اعظمی از کارهایی که ایشان انجام داد در حوزه قدرت نرم به‌ویژه دیپلماسی عمومی بود؛ یعنی در عرصه‌های فرهنگی ایشان فعالیت‌های بیشتری نسبت به فعالیت‌های در عرصه قدرت سخت داشت. راهبرد دیپلماسی عمومی ج.ا.ا را از تدافعی به تهاجمی ارتقاء داد و مسیر را برای، تشکیل یک مرکز راهبردی منسجم دیپلماسی عمومی غیردولتی و مردم‌نهاد، مخاطب‌شناسی عام و خاص با بهره‌گیری از دو عنصر مقاومت و مظلومیت در برای ترسیم چهره دولت اسلامی در فضای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری در بستر فضای مجازی و تشکیل یک شبکه انسانی در درون شبکه به‌عنوان پشتیبان سیاست‌های دیپلماسی عمومی و ارائه اسلام ناب در نقطه مقابل اسلام هراسی و مقابله با اسلام آمریکایی هموار کرد. یک نمونه تأسیس ستاد مردمی بازسازی عتبات بود که از جمله مهم‌ترین شاخص‌های بعد فرهنگی در ایجاد ساختارهای تمدن‌سازی است (طهماسبی، ۱۳۹۸: ۴۶) یک هزارم از فعالیت‌ها و اقدامات حاج قاسم که مهم‌ترین عناصر فرهنگ یعنی دانش‌ها، باورها، هنجارها، ارزش‌ها، نمادها، سمبل‌ها پوشش داده، مکنون مانده، ولی دشمنان نظام اسلامی ایران به‌خوبی از نتایج آن آگاه هستند. تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها از مهم‌ترین اقدامات زمینه‌ساز شهید سلیمانی برای تحقق دولت اسلامی و تمدن‌سازی نوین اسلامی بود. ایشان هر جا بحرانی حادث شد که ایران را در موقعیت خطرناکی قرار می‌داد، ورود کرد - به‌رغم هزینه‌های سرسام‌آور دیگران در منطقه - و با محوریت قدرت نرم و با به اشتراک گذاشتن داشته‌های قدرت نرم، الگوی انسان تمدن‌ساز را به جهانیان ارائه کرد و قدرت ج.ا.ا را به‌عنوان نقطه کانونی تمدن‌ساز به فراتر از سطح منطقه ارتقا داد. شهید سلیمانی این دغدغه ملاحظه‌دار که «حیات انسان منتظم نمی‌گردد مگر به تمدن، تعاون و اجتماع و انسان در این نظم فاعلیتی دارد» و دغدغه حضرت امام علیه‌السلام مبنی بر این که «فلسفه دولت و سیاست تربیت انسان است» (صدر، ۱۳۹۶: ۱۴۶ و ۱۸۰-۱۷۹). را حداقل در گستره جغرافیای مقاومت بیش از انتظار

عملیاتی نمود. چه زیبا که بیان حضرت امام علیه السلام حسن ختام و مهر تأییدی بر الگو بودن تربیت‌شده مکتبش باشد:

آن قدر که انسان غیر تربیت شده، برای جوامع مضر است هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن قدر مضر نیست و آن قدر که انسان تربیت شده، برای جوامع مفید است هیچ ملائکه‌ای و هیچ موجودی آن قدر مفید نیست، اساس عالم بر تربیت انسان است، انسان عصاره همه موجودات است و انبیاء آمده‌اند اینکه این عصاره بالقوه را بالفعل کنند و انسان یک موجودی الهی بشود (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۱۵۳).

نتیجه

در نظریه قدرت نرم متعالیه عوامل ماورایی، انسانی و سازمانی تولیدکننده و سوزاننده (علت فاعلی) قدرت نرم متعالیه هستند. نهادهای اجتماعی به‌ویژه نهادهای اولیه و نمادهای آنها در جذب، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، سازماندهی، تألیف، تجمیع اراده‌ها برای ایجاد سرمایه اجتماعی و تولید قدرت نرم تأثیرگذارند. شهید سلیمانی به‌عنوان عامل انسانی در سطح نخبگی و آراسته به جنود عقل با ویژگی‌هایی چون: الهام‌بخش روحیه انقلابی و جهادی؛ رفتارهای هوشمندانه؛ شکننده حصار تحریم‌ها؛ مقتدر؛ فرماندهی مهربان؛ مجاهدت‌های گمنام؛ اخلاص و توکل و دارابودن مؤلفه‌های قدرت نرم متعالیه یعنی جاذبه، هیبت، شکوه، منزلت، خیرخواهی، زیبایی، الگویی مطلوب در تولید، بازتولید و تکثیر کوثری سرمایه نرم اجتماعی و تبدیل آن به قدرت نرم نقش بی‌بدیلی را ایفا کرد. از آنجاکه ایشان افتخار تربیت شدن در مکتب دو زبده مکتب حیات متعالیه را داشت، قدرت نرمی که تولید می‌کرد از جنس متعالیه بود. از این‌رو با تمسک خداوند متعال نماد قدرت نرم متدانیه را در هم شکست و کوس رسوایی آن را در منظر افکار عمومی عصر کنونی به صدا درآورد. سردار دل‌ها به زیبایی نشان داد که حتی «الله اکبر» مظاهر قدرت نرم متدانیه هم عوایدی برای نظام سلطه نخواهد داشت. شهید سلیمانی در عمل به مهیا شدن دو عنصر تولید فکر و پرورش انسان کمک کرد. ایشان عزم شهریاری‌ها و تهرانی مقدم‌ها را داشت و در عمل الگوی حیّ متألّه تمدن‌ساز برای تربیت انسان قرار گرفت.

منابع

- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات ظهور.
- آمدی، عبدالواحد (بی تا)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمد علی الانصاری، بی جا.
- اکبریان، رضا (۱۳۸۶)، جایگاه انسان در حکمت متعالیه ملاصدرا، مجله خردنامه، شماره ۵۰.
- بنی لوحی (۱۳۹۹)، این مرد پایان ندارد، چاپ پانزدهم، اصفهان: راه بهشت.
- پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) (۱۳۹۹)، تربیت و تعالی دینی، قم: زمزم هدایت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸)، شرح حکمت متعالیه (اسفار اربعه)، تهران: الزهرا.
- _____ (۱۳۸۴)، تفسیر موضوعی قرآن، حیات حقیقی انسان در قرآن، قم: اسراء.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران: علمی و فرهنگی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ نهم، تهران: سمت.
- حبیبی، حمید (۱۳۹۶)، قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم، تهران: داعا.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۴)، روش‌شناسی علوم سیاسی، چاپ چهارم، قم: مفید.
- دانش آشتیانی، محمداقبر (۱۳۷۹)، شناخت محیط ملی (نظامی) و طرح پژوهش و بررسی محیط بین-الملل سال ۱۴۰۰، تهران: داعا.
- ره پیک، سیامک (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی؛ شاخص‌ها و ابعاد، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- شیرازی، علی (۱۳۹۹)، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، قم: خط مقدم.
- صادقی شاهدانی، مهدی و دیگران (۱۳۹۱)، شاخص‌سازی ترکیبی توسعه انسانی مبتنی بر آموزه‌های تمدن اسلامی، مجله پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۸.
- صدرا، علیرضا (۱۳۹۶)، خوانش سیاسی متون حکمت متعالیه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، چاپ چهارم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۶۰)، اسرار الآیات، تصحیح محمد خواجوی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- _____ (۱۳۸۲)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، تصحیح سید مصطفی محقق داماد، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- صهبا (۱۳۹۶)، کریمانه، قم: مؤسسه فرهنگی هنری جهادی ایمان جهادی.
- طهماسبی، عالمه و دیگران (۱۳۹۸)، سلیمانی عزیز: گذری بر زندگی و رزم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، قم: حماسه یاران.

- عاملی، سعید رضا (۱۳۸۳)، *جهانی‌شدن: مفاهیم، نظریه‌ها و مسائل*، تهران: ارغنون.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی عمید*، جلد اول، تهران: اشجع.
- فرهادی، محمد و مرادیان، محسن (۱۳۸۷)، *درک قدرت نرم با نگاهی به ج.ا.ا.* (از مجموعه مقالات همایش بسیج و قدرت نرم)، چاپ اول، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- کرجی، علی (۱۳۹۴)، *شواهد قرآنی برخی مضامین حکمت متعالیه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۸)، *امنیت متعالیه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- _____ (۱۳۹۰)، *دلالت‌های امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه*، مجله حکمت اسراء، شماره ۹.
- مزدآبادی، علی‌اکبر (۱۳۹۴ الف)، *حاج قاسم ۱؛ جستاری در خاطرات حاج قاسم سلیمانی*، تهران: یازهران علیه‌السلام.
- _____ (۱۳۹۸ ب)، *حاج قاسم ۲؛ خاطراتی از شهید حاج قاسم سلیمانی*، تهران: یازهران علیه‌السلام.
- _____ (۱۳۹۸ ج)، *ذوالفقار: برش‌هایی از خاطرات شفاهی حاج قاسم سلیمانی*، چاپ دوم، تهران: یازهران علیه‌السلام.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- بیانات امام خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>
- Nye (2003), *Soft power*, Newyork: public affairs.